

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

گواه عشق

اگر سرفرازم کنی گاهگاهی
شوی روبرویم به بزمی، به راهی
دل‌مشاد سازی به نیم‌نگاهی
به صبحی، بشامی، بروزی، به ماهی

دل از من ربودی، بت دلنوازم
به کسویت نیازم، به سویت نمازم
قدت را بگردم، رخت را بنازم
بود سجده گاهم چنین جلوه گاهی

ز بزم توتاکی، چنین دور باشم
به چشم تو مقهور و منفور باشم
حقیر رقیبان مغرور باشم
مقابل شوم با چنین روسیاهی

پرچهره من ببین رنگ زردم
به پایت فتاده به مانند گرم
ز عالم بگردم، ز تو برنگردم
هجوم آورد غم اگرا با سپاهی

هنوزم به بزم وفای او ره نیست
نصییم بجز روز سرد و سیه نیست
گر احوال زارم پیرسی گنه نیست
به یک نیمخندی، به نیم‌نگاهی

بت من! ز چشم خرامیده رفتی
چه پیش آمد امشب که رنجیده رفتی
سر دامن ناز برچیده رفتی
مگر دیدی از من، خطائی، گناهی؟

لبت تا ببوسم نفس بر لب آمد
به جان و تنم، غصه دیشب آمد
تن از درد لرزید، به جانم تب آمد
چه بخت خرابی، چه روز سیاهی

گر امشب ترا من، به مستی نیبم دگر روی مستی به هستی نیبم
به عشقت بلندی و پستی نیبم به حال گدائی، بر اورنگ شاهی

«اسیر» تو بودن، گناهی ندارد دل از من گرفتن گواهی ندارد
طریق وفاء رسم و راهی ندارد چه میخواهی از من دلیل و گواهی

(م. نسیم «اسیر»، بن - المان، اکتوبر 1995 م)